

یادداشت

<div><div>۵۳۱</div></div>
ادامه‌از صفحه اول

بازنگری در نقش و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ملی

گسترش بیش از اندازه بخش ناکارآمد شبه‌خصوصی و قدرت لابی رشک‌برانگیز این مجموعه، موقعیتی را برایش فراهم کرد که با استفاده از منابع بانکی، رشد خود را به قیمت اخراج هرچه بیشتر بخش خصوصی واقعی از اقتصاد ملی تاوأم ببخشد. در نتیجه بخش خصوصی واقعی کشور از نقش «سرمایه‌پذیر» به «سرمایه‌گذار» تغییر ماهیت داد؛ زیرا در شرایط موجود، یکی از معدود حوزه‌های فعالیتی که بدون دردسر می‌توانست بدان وارد شود، این بود که مدیریت سرمایه نقدی خود را به مدبران مستقر در حوزه بخش شبه‌خصوصی بسپارد و خود فقط نظاره‌گر باشد و به سهمی اندک از رانتی که در اقتصاد توزیع می‌شود، قناعت کند. به بیان دیگر، در کام نخست، بخش شه‌خصوصی با ورود به میدان رقابت با بخش خصوصی واقعی، دسترسی این بخش را به تسهیلات بانکی به‌شدت محدود کرد و در کام بعد، آن را وادار کرد به‌جای اندیشیدن به فعالیت مستقیم اقتصادی، منابع نقدی خود را یا به خرید سهام بنگاه‌های شبه‌خصوصی تخصیص بدهد یا در قالب سیره‌های بلندمدت به بانک بسپارد تا توان وام‌دهی بانک‌ها به بخش شبه‌خصوصی افزایش یابد. ازاین‌رو برای تخمین سهم واقعی بخش شبه‌خصوصی در اقتصاد امروز ایران این کافی نیست که میزان مالکیت آن را با بخش خصوصی واقعی مقایسه کنیم، بلکه باید ببینیم این مجموعه مدیریت چه سهمی از دارایی‌های موجود در اقتصاد ملی را در اختیار دارد. حال با داشتن تصویری از ابعاد بخش شبه‌خصوصی و با توجه به این واقعیت که در این بخش مدیران چندان نیازی به پاسخ‌گویی به مالکان دارایی (شهروندان) نداشته و فقط به مسئولان بالاتر خود گزارش می‌دهند و در نتیجه تا سالیان سال می‌توانند درعین ناکارآمدی به فعالیت خود ادامه دهند، می‌توان دلیل‌یابین‌بودن بهره‌وری کار و سرمایه را در اقتصاد ملی به‌درستی دریافت. با عنایت به آنچه گفته شد، محورهای کلی بازنگری در نقش و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ملی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- نهاد‌های عمومی در قالب یک برنامه تدریجی از فعالیت‌های سرمایه‌پذیرانه خارج شده و فقط در قامت سرمایه‌گذار در شرکت‌های بخش خصوصی واقعی در اقتصاد حضور داشته باشند یا منابع نقدی خود را از طریق بانک‌های تخصصی در خدمت رشد و رونق اقتصاد ملی با مدیریت بخش خصوصی درآورند.
- دولت خود را برای ایفای نقش هدایتی و نظارتی مؤثر و کارآمد در اقتصاد ملی آماده کند. لازمه این کار بازنگری در نقش دولت در اقتصاد، اصلاح تشکیلات، بازنگری در قوانین، بازسازی نهادهای نظارتی، میاززه مؤثر با فساد و جلوگیری از نفوذ شبکه فساد در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور است.
- نظام بودجه‌ریزی کشور در مسیری اصلاح بشود که دولت را از رانت‌سازی دور کند، زیرا تا رانت هست، رانت‌خواری هم هست و این آفتی است که اجازه رشد سالم به بخش خصوصی نخواهد داد.
- سیاست‌های دولت در مسیر حمایت از بخش مولد واقعی اقتصاد اصلاح بشود و دولت به‌جای کمک به دلالان، وارتاچی‌ها و سفته‌بازان، از تولیدکنندگان حمایت کند.
- بنگاه‌های کوچک تولیدی و حتی برخی از بنگاه‌های کوچک بازرگانی باید از حمایت خاص دولت برخوردار شوند؛ به‌ویژه تعاونی‌ها به عنوان مردمی‌ترین بخش اقتصاد، استحقاق برخورداری از این حمایت را دارند. چنین حمایتی با تحکیم مبانی رقابت سازنده در اقتصاد اجازه نمی‌دهد اقتصاد ملی از وجود و فعالیت بنگاه‌های کوچکی که ممکن است در آینده تبدیل به بنگاه‌های بزرگ و موفق بشوند، محروم شود.

- سیاست‌های رانت‌ساز دولت در سال‌های گذشته فضایی را فراهم کرده که در برخی حوزه‌های اقتصاد ملی سلطاین قدرتمندی شکل گرفته و با انواع نریک‌ها رقبا را از میدان حذف کند. به بیان دیگر رقابت بین‌بنگاه‌ها به رشد آن کسی که لابی قدرتمندی دارد، انجامیده است. یکی از محورهای مهم سیاست‌گذاری دولت در سال‌های آینده باید مهار سلطان‌ها از طریق تمهیداتی نظیر قوانین ضدتراست باشد. علاوه بر این، سرفصل‌ها و سرصل‌های مشابه دیگر، بازار سرمایه هم نیازمند بازنگری بنیادین است که این خود یادداشت مستقلی می‌طلبد.

تحلیلی بر تحولات بازار جهانی کود شیمیایی، صد روز پس از انسداد هرمز

هروگونه اختلال در یکی از حلقه‌های این زنجیره می‌تواند به‌سرعت کل بازار را تحت تأثیر قرار دهد. این ویژگی سبب شده است بازار کود شیمیایی در مقایسه با بسیاری از بازارهای کالایی دیگر، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی داشته باشد.

تفاوت ماهیتی بحران کنونی با بحران جنگ اوکراین

ماهیت بحران کنونی با بحرانی که در پی جنگ اوکراین ایجاد شد، تفاوت اساسی دارد. جنگ اوکراین یک شوک مستقیم به عرضه جهانی غلات وکودهای شیمیایی وارد کرد؛ زیرا دو کشور درگیر از تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم این محصولات بودند. اما بحران ناشی از تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران و انسداد تنگه هرمز، یک شوک «بالادستی» و ساختاری محسوب می‌شود. در این حالت، مسئله اصلی کاهش مستقیم تولید غلات یا کود نیست، بلکه اختلال در شراین حیاتی انتقال انرژی، کودهای شیمیایی و مواد اولیه تولید آنهاست. به همین دلیل دامنه اثرگذاری این بحران گسترده‌تر بوده و می‌تواند به صورت زنجیره‌ای بر بازارهای انرژی، حمل‌ونقل، نهاده‌های کشاورزی و در نهایت تولید غذا تأثیر بگذارد.

تهدیدی برای تولید جهانی غذا

کاهش قیمت اوره به معنای حل بحران نیست. هزینه خرید کود برای کشاورزان همچنان بالاست. در اروپا، قیمت کودهای نیتروژنی هنوز حدود ۳۰ درصد بالاتر از سطح پیش از بحران قرار دارد. در همین حال، قیمت کودگره همچنان رو به افزایش است. قیمت آمونیاک حدود ۶۰ درصد رشد کرده و هزینه حمل‌ونقل نیز نزدیک به ۵۰ درصد افزایش یافته است. ضعف تقاضا در بازار کود احتمالاً نشانه فشار مالی فرایندهر کشاورزان است. خطر اصلی آن است که مصرف کود در چرخه‌های تولید آینده کاهش یابد. در صورت تاوأم انسداد تنگه هرمز، نه‌تنها محصولات بهاره نیم‌کره شمالی، بلکه کشت غلات پاییز در این منطقه و همچنین کشت‌های بهاره نیم‌کره جنوبی نیز با کاهش مصرف نهاده‌ها و افت بهره‌وری مواجه خواهند شد. نتیجه چنین روندی می‌تواند کاهش تولید جهانی غذا و تشدید ناامنی غذایی در بسیاری از مناطق جهان باشد. این نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که با مخاطرات اقلیمی ترکیب شود. پیش‌بینی‌ها از احتمال بالای وقوع و تاوأم پدیده ال‌نینو در سال ۲۰۲۶ حکایت دارند. تجربه تاریخی نشان داده است ال‌نینو با خشک‌سالی، تنش گرمایی و اختلال در الگوهای بارندگی در بسیاری از مناطق مهم کشاورزی جهان همراه است. اگر کاهش مصرف کود با شوک‌های تولید ناشی از ال‌نینو هم‌زمان شود، احتمال کاهش قابل توجه تولیدات کشاورزی و افزایش قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۲۷ بسیار بالا خواهد بود. رشد روز پس از آغاز بحران، روشن نده است که انسداد تنگه هرمز فقط یک بحران انرژی نیست، بلکه تهدیدی جدی برای زنجیره جهانی تأمین نهاده‌های کشاورزی و امنیت غذایی جهان محسوب می‌شود. اگر چه بازارها توانسته‌اند بخشی از شوک اولیه را جذب کنند، اما هزینه‌های تولید همچنان بالا بوده و نشانه‌های کاهش مصرف کود و لاجرم کاهش تولید غذا، در بسیاری از مناطق جهان مشاهده می‌شود. این تجربه نشان می‌دهد نظام جهانی غذا تا چه اندازه در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی آسیب‌پذیر است. از این‌رو، برای ارتقای تاب‌آوری نظام کشاورزی و غذایی جهان، ضروری است این بحران با دقت و واقع‌بینی تحلیل شده و درس‌های حاصل از آن در طراحی سیاست‌سازی آینده به کار گرفته شود. توسعه ذخایر راهبردی نهاده‌های کشاورزی، تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری، کاهش وابستگی به گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه امنیت غذایی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری جهان در برابر بحران‌های مشابه کمک کند.



اقتصاددانان درباره چشم‌انداز خود از تأثیر توافق ایران و آمریکا بر شرایط اقتصادی کشور می‌گویند

اقتصاد در میانه جنگ و صلح

چشم‌انداز اقتصاددانان چیست؟

برخی از این کارشناسان به «شرق» می‌گویند تجربه جنگ و تناقض‌گویی‌های متعدد درباره توافق بین ایران و آمریکا و مذاکرات بین دو کشور، اعتماد به این‌گونه اخبار را دشوار کرده است؛ به‌ویژه آنکه آمریکا سابقه بدعهدی بسیار دارد و شخص دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نه‌تنها پیش از این به طور یک طرفه از برجام خارج شده است، که بارها درباره ایران تناقض‌گویی کرده است. ضمن اینکه صلح نسوم مثلث جنگ در خاورمیانه، یعنی اسرائیل و تحركات آن را نباید نادیده گرفت. بنابراین با مجموع این رخدادها، تنها چیزی که محرز است، این است که دو کشور فعلا تصمیمی برای ادامه جنگ ندارند و پس از آن مشخص نیست که چه اتفاقی رخ می‌دهد.

لطفعلی بخشی، اقتصاددان، به «شرق» می‌گوید در حال حاضر پیش‌بینی سرنوشت جنگ خلیج فارس دشوار است، اما اگر آتش‌بس پایدار بماند و توافقی شکل بگیرد، دولت باید پروژه‌های دولتی را به‌سرعت فعال کند تا از این طریق بیمانکاران پروژه‌های فرعی نیز به‌سرعت دست به کار شوند و اقتصاد را به تحرک بیندازند.

او تأکید می‌کند با این اتفاق ده‌ها هزار نیروی متخصص به صورت فوری جذب می‌شوند و وضعیت بازار کار بهبود پیدا می‌کند. به گفته این اقتصاددان، دولت همچنین باید به پروژه‌های خصوصی وام اعطا کند و اگرچه اعطای این وام‌ها می‌تواند در کوتاه‌مدت اثر تومری داشته باشد، بازده این پروژه‌ها بین شش ماه تا یک سال آینده به اقتصاد برمی‌گردد و آثار تومری را تعدیل می‌کند.

بخشی همچنین تأکید می‌کند که دولت باید با همین نگاه مبلغ بارانه‌ها را افزایش دهد تا بخش تقاضا نیز در بازار تحریک شده و تولید را به تحرک واردرد.

آلبرت بغزیان، دیگر اقتصاددان اما معتقد است توافق انجام‌شده فعلا از مرحله گشایش در تردد دریایی و تنگه هرمز و کاهش محاصره دریایی ایران فراتر نمی‌رود و حتی با آزادسازی اموال بلوکه، تصور نمی‌کند منابع ارزی گسترده‌ای به کشور سرازیر شود؛ بنابراین اتفاق خاصی برای بازارها و اقتصاد کشور رخ نمی‌دهد و فقط قیمت‌ها اندکی تعدیل می‌شود و وضعیت اقتصادی کشور از شرایط فعلی بدتر نمی‌شود.

این اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» ادامه می‌دهد پیش‌بینی او از توافق بین ایران و آمریکا این است که فعلا تقاهم‌نامه‌ای در شرایط نه جنگ و نه صلح امضا و مهلت کوتاهی نفس برای طرف‌های درگیر جنگ ایجاد می‌شود، اما عادی‌شدن وضعیت اقتصاد زمان بر است و نیاز به شرایط پایدارتری دارد.

جعفر خیرخواهان، اقتصاددان، اما به چشم‌انداز این توافق احتمالی خوش‌بین است و به «شرق» می‌گوید به نظر می‌رسد طرفین جنگ متقاعد شده‌اند ادامه جنگ و تخاصم به سود هیچ‌کس نیست و راه برای مصالحه باز شده است و اگر این روند ادامه پیدا کند، اصلاحات اقتصادی اعمال و از اشتباهات گذشته درس گرفته شود، اقتصاد کشور می‌تواند در یک دوره سه‌ساله بهبودی قابل توجهی را تجربه کند و به عرصه اقتصاد جهانی بپیوندد.

بر اساس گفته این اقتصاددان، مهم‌ترین کانال اثرگذاری توافق احتمالی، افزایش صادرات نفتی است. رفع محدودیت‌های دریایی و تسهیل تجارت خارجی است که دسترسی به منابع ارزی و سرمایه‌گذاری را برای اقتصاد کشور تسهیل می‌کند.

محمدتقلی فیاضی، تحلیلگر اقتصادی، هم به خیرآنلاین گفته است: «جنگ، تحریم و اکنون محاصره دریایی، فشار به اقتصاد ایران را بیشتر کرده است. روند آینده تورم به فرجام تحریم و محاصره دریایی گره خورده است. اگر تا بیش از سه ماه آینده محاصره به نحوی ادامه یابد که جلوس واردات کالا گرفته و امکان صادرات نفت هم سلب شود، با یک انقباض شدید در درآمدهای ارزی مواجه خواهیم شد و آن‌گاه روند تورم به‌شدت بالا خواهد رفت و بحران اقتصادی هم به مرحله شدیدتری می‌رسد و اگر تورم ماهانه خرداد به ۱۲ درصد برسد، در همین ماه تورم نقطه‌ای سه‌رقمی خواهد شد. منتها به نظر نمی‌رسد تورم ماهانه خرداد تا این اندازه بالا باشد و با فرض ادامه وضع موجود، در میانه تابستان یا اوایل پاییز احتمالاً تورم نقطه به نقطه سه‌رقمی شود. هرچند اگر میان ایران و ایالات متحده توافقی حاصل شود، این روند ممکن است تغییر کند.» او تأکید کرد: «همه چیز بستگی به وضعیت صادرات نفت ما دارد. اگر بتوان مشکل را سریع‌را رفع کرد، از تورم سه‌رقمی دور خواهیم شد، زیرا یک تفاوت مهم میان ایران و دیگر کشورهایی که دچار اپرتورم شده‌اند، آن تفاوت به امکان رفع تحریم‌ها و سرازیرشدن درآمدهای نفتی برمی‌گردد. جایی که بتوانیم نفت خود را صادر و ارز حاصل از آن را وارد کشور کنیم، به‌سرعت روند فعلی برمی‌گردد اما اگر محاصره دریایی بیش از سه ماه طول بکشد و فضای جنگی حاکم بماند، اقتصاد ایران ظرفیت ورود به دوره اپرتورم را خواهد داشت.»

با تمام اوصاف، هنوز خبر دقیقی از امضای توافق‌نامه و مفاد آن وجود ندارد و مشخص نیست چشم‌انداز جنگ خلیج فارس به کجا می‌رسد.

یادداشت

<div><div>۵۳۱</div></div>
ادامه‌از صفحه اول

ایران از معماران نظم جدید

طی سال‌های گذشته برخی تصور می‌کردند می‌توان میان جبهه مقاومت تفکیک ایجاد کرد؛ لبنان را از ایران جدا دانست، یمن را از لبنان منفک کرد، باب‌المندب را بی‌ارتباط با هرمز تلقی و مقاومت منطقه را مجموعه‌ای از بازیگران برانکنده معرفی کرد. اما واقعیت‌های میدانی خلاف این تصور را ثابت کرد. امروز از تنگه هرمز تا باب‌المندب، در خلیج فارس تا دریای سرخ، نظم جدیدی در حال شکل‌گیری است. این نظم بر پایه این اصل استوار است که امنیت منطقه تجزیه‌پذیر نیست و هرگونه ماجراجویی علیه یکی از اجزای این منظومه، می‌تواند پیامدهایی فراتر از همان جغرافیا به دنبال داشته باشد.

در همین چارچوب، از هرمز تا باب‌المندب، شبکه‌ای از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شکل گرفته که می‌تواند بر تجارت جهانی، امنیت انرژی و محاسبات قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار باشد. این واقعیت، بخشی از ظرفیت راهبردی ایران در معادلات جدید منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. در این میان، هم‌زمان با فشارهای میدانی، کارزار سیاسی علیه ایران نیز ادامه یافته است. تصویب قطع‌نامه اخیر در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و هم‌زمانی آن با تشدید فشارهای نظامی و نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بخشی از همین معادله گسترده‌تری است که در ابتدا به آن اشاره شد و دیگر شکی نیست برخی نهادهای بین‌المللی از مسیر حرفه‌ای خود فاصله گرفته و به بخشی از سازوکار فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند. هنگامی که تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز یک کشور هدف حمله قرار می‌گیرد، به‌جای محکومیت متجاوز، فشارها متوجه قربانی تجاوز می‌شود. طبیعی است که سخن‌گفتن از بی‌طرفی نهادهای بین‌المللی بیشتر شبیه طنزی تلخ است. با این حال، جمهوری اسلامی ایران همواره نشان داده اهل منطق گفت‌وگو و راه‌حل‌های سیاسی است. آنچه ایران رد می‌کند، اصل مذاکره نیست، بلکه سوءاستفاده از دیپلماسی و نهادهای بین‌المللی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار است. از همین رو، راهبرد جمهوری اسلامی ایران بریک اصل روشن استوار است: نه میدان را ترک می‌کنیم و نه دیپلماسی را. تجربه نشان داده است میدان دیپلماسی دو مسیر جداگانه نیستند، بلکه دو مؤلفه مکمل قدرت ملی‌اند. قدرت دفاعی، اسکان مذاکره از موضع اقتدار را فراهم و دیپلماسی نیز دستاوردهای میدانی را به نتایج پایدار سیاسی تبدیل می‌کند. ما به وقت خود از دیپلماسی استفاده می‌کنیم و به وقت خود از قدرت بازدارندگی بهره می‌بریم. در نهایت، آنچه امروز در منطقه جریان دارد را می‌توان «مذاکره شمشیری» نامید؛ وضعیتی که در آن گفت‌وگو و قدرت سخت به‌طور هم‌زمان در حال اثرگذاری بر یکدیگر هستند. آمریکا تلاش می‌کند از طریق ترکیب مذاکرات دیپلماتیک و فشارهای میدانی، به‌اهداف خود برسد و هزینه عدم توافق را افزایش دهد. اما ایران نیز با تکیه بر حق ذاتی دفاع مشروع، ظرفیت‌های بازدارندگی، عمق راهبردی منطقه‌ای و همراهی ژئوپلیتیکی خود، نشان داده هم در میدان مقتدر است و هم در دیپلماسی مسلط و به دنبال جنگ نبوده و در برابر فشار نیز تسلیم نخواهد شد. از هرمز تا باب‌المندب، از لبنان تا خلیج فارس، واقعیت جدید منطقه آن است که امنیت تجزیه‌پذیر نیست و هیچ نظم سیاسی و امنیتی پایداری بدون در نظر گرفتن نقش ایران، واقعیت‌های میدانی و حقوق ملت‌های منطقه شکل نخواهد گرفت. جمهوری اسلامی ایران از موضع اقتدار و ضمن دفاع از امنیت ملی و منافع راهبردی خود، در این فرایند نه یک بازیگر منفعل، بلکه یکی از معماران اصلی نظم جدید منطقه‌ای خواهد بود؛ نظمی که در آن هیچ توافق پایداری بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدانی، امنیت جمعی منطقه و احترام متقابل میان کشورهای منطقه دوام نخواهد آورد.

فراخوان مناقصه عمومی

ثویت اول

اداره کل راهداری و حمل و نقل جادهای استان خراسان رضوی در نظر دارد مناقصات به شرح ذیل را از طریق سامانه الکترونیکی دولت برگزار نماید. تاریخ انتشار در سامانه ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ می باشد.

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	شماره فرخوان در سامانه ستاد	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	مبلغ برآورد (ریال)
۱۴۰۵/۳۱/۱۱۲	احداث و آسفالت راه روستایی قلجق (قطعه ۲) شهرستان درگز(نوبت دوم)	۲۰۰۵۰۱۴۲۳۰۰۰۰۷۱	۲/۱۵۷/۳۷۴/۶۴۸	۴۳/۱۴۷/۹۴۲/۹۶۶
۱۴۰۵/۳۱/۱۱۳	احداث راه روستایی کلاته کلوخ (ابنیه فنی) شهرستان گناباد(نوبت دوم)	۲۰۰۵۰۱۴۲۳۰۰۰۰۷۲	۲/۶۵۳/۸۷۱/۶۰۱	۵۳/۰۷۷/۴۳۲/۰۲۶

– مهلت دریافت اسناد مناقصه : تا ساعت ۱۷:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱
– مهلت تحویل پاکات مناقصه : تا رلس ساعت ۱۷ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱
– تاریخ و ساعت بازگشایی پاکات مناقصه : ساعت ۸:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱
– مهلت- انتهای خیابان فدائیان اسلام – ک پستی ۹۱۷۳۹۶۵۴۶ – تلفن تماس:۰۵۱-۳۳۴۱۰۲۴ – نمابر : ۰۵۱-۳۳۴۴۸۸۸-۰۵
– محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه : سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی **www.setadiran.ir**

شماره : ۰۵۶۶-۲۲

اداره کل راهداری و حمل و نقل جادهای استان خراسان رضوی